تقریب مذاهب در اسلام

تقریب مذاهب در اسلام

مقدمه

در اثر انشعاباتی که بعد از عصر رسالت بین مسلمانان نسبت به مکتب جامع و حیات بخش اسلام،به وقوع پیوست به تدریج مذاهب و فرقی در جهان اسلام شکل گرفت. پیدایش این مذاهب که اغلب بر محور تکثر اجتهادات فقهی صورت گرفت پیامدهای شومی را در جوامع اسلامی در پی داشت که بارزترین آن ها تفرقه، تکفیر و منازعات خانمان سوز بین پیروان مذاهب بود که تاکنون نیز استمرار دارد. در این راستا از همان نخست زمزمه های تفرقه و تشتّت بین مسلمانان، رهروان صدیق مکتب اهل بیت علیهم السلام به تبعیت از امامان معصوم خویش گام های بلندی را در تقریب بین پیروان مذاهب اسلامی برداشته، و آن را محور اصلی مجاهدت خویش در احیای اسلام و هویت بخشیدن به مسلمانان قرار دادند که نمونه عالی آن تدوین کتاب هایی نظیر «الخلاف» و «المبسوط» از شیخ الطائفه و تفسیر مجمع البیان از شیخ طبرسی می باشد که مورد توجه دانشمندان برجسته اهل سنت قرار گرفته است. استمرار این حرکت حیات بخش در تقریب مذاهب ضرورتی است که عقل و شرع آن را لازم دانسته و هر نوع اخلال و مخالفت با آن را گناهی بس عظیم می داند.

ضرورت شرعی و عقلی تقریب مذاهب اسلامی

وحدت و انسجام اسلامی از محوری ترین مفاهیم اسلامی است که به شکل های مختلف در قرآن کریم بدان تأکید شده است؛ تعابیری نظیر: «واعتصموا بحبل ا» [۲] «إنّما المؤمنون إخوه»[۳] «إنّ هذه أمّتکم أمة واحدة»[۴] «کنتم خیر أمّة أخرجت للناس»[۵] «کذلک جعلناکم أمّة وسطاً»[۶] «أصلحوا» [۷] «رابطوا»[۸] «تعاونوا»[۹] «حزب ا» [۱۰] «فألّف بین قلوبهم» [۱۱].و... که فقط با وحدت و همبستگی

جوامع اسلامی محقق خواهد شد. از طرف دیگر شکی نیست که وحدت و انسجام مذکور در عصر کنونی که مسلمانان از مذاهب مختلفی تبعیت می کنند آیا جز از راه تقریب امکان پذیر می باشد؟ بنابراین از آنجا که اندیشه تقریب مذاهب اسلامی، تنها راه عینیت بخشیدن به محوری ترین اصل قرآنی ـ وحدت مسلمین ـ که به فرمایش امام خمینی (رحمة ا علیه) سراسر قرآن کریم از آن دم می زند. [۱۲]

تقریب مذاهب اسلامی در عصر کنونی تنها راه احیای اسلام و تشکیل امت واحده اسلامی است که از شعارهای محوری قرآن کریم می باشد چون تعدّد مذاهب و عدم تفاهم مسلمانان با یکدیگر، به نگاه جهانیان نسبت به چهره حقیقی اسلام خدشه فراوانی وارد کرده است. از این رو با عینیت بخشیدن به شعار تقریب مذاهب که مستلزم وحدت حقیقی بین مسلمانان خواهد بود، سیمای نورانی اسلام به عنوان مکتب عدالت و صلح به جهانیان معرفی خواهد شد. 3. از آنجا که سنّت و سیره اهل بیت علیهم السلام از ملزومات بین تمامی مسلمانان به ویژه پیروان مکتب تشیع می باشد بدین جهت نیز تقریب مذاهب از اهمیت و ضرورتی مضاعف برخوردار خواهد بود.

در تبیین این نکته به دو نمونه اشاره می کنیم:

سخن امام علی علیه السلام در پاسخ معترض یهودی که در مذمت مسلمانان اظهار داشت: هنوز پیامبرتان را دفن ننموده بودید که با یکدیگر به اختلاف و نزاع برخواستید. و امام علیه السلام فرمود: «إنّما اختلفنا عنه لا فیه»: ما در اصل رسالت پیامبر صلی ا علیه و آله اختلاف نکردیم بلکه در اینکه آیا پیامبر (صلی ا علیه و آله) برای خویش جانشینی برگزیده است اختلاف نمودیم. در حالی که شما هنوز پاهایتان از دریایی که از آن عبور کردید خشک نشده بود که به پیامبرتان گفتید: «اجعل لنا إلها کما لهم آلهة قال إنّکم قوم تجهلون»[۱۳] و [۱۴] این سخن حضرت که محور اصلی اختلافات بین تشیّع و تسنن را بیان می کند. بیانگر مسأله مهمی است که مسلمانان کنونی جهان لازم است از آن عبرت گیرند و آن این است که اختلاف بین مسلمانان در مذاهب کنونی، اختلافاتی است فرعی نه اصلی و تقریب مذاهب برترین روشی است که منادی این اندیشه بس بلند در جهان اسلام می باشد. ب) سیره امام صادق علیه السلام در تعامل با مذاهب و فرق اسلامی یکی از زیباترین نمونه های تاریخی است که می تواند الگویی جامع در روابط مسلمانان با یکدیگر ـ به رغم اعتقادشان به مذاهب گوناگون ـ قرار گیرد. آن حضرت در روش فقهی و کلامی و تفسیریشان به اندیشه های مخالفین خویش احترام

گذاشته و به تبیین آن ها می پرداخت چنانکه یکی از رهبران بزرگ اهل سنت ابو حنیفه که از شاگردان امام علیه السلام شمرده می شود آن حضرت را عالم ترین شخص دانسته و می گفت: «وا ما رأیت أفقه من جعفر بن محمد»[۱۵] حضور رهبران، پیروان مذاهب گوناگون در درس امام صادق علیه السلام گواهی است بر اینکه تقریب مذاهب ریشه در قرآن و سیره اهل بیت علیهم السلام داشته و مخالفت با آن عدول از این دو منبع عظیم اسلامی خواهد بود.امر دیگری که ضرورت تقریب مذاهب را در عصر کنونی مضاعف می کند سلطه بیگانگان و کفّار بر جهان اسلام و کشورهای اسلامی است. سلطه ای که آثار شومش را هر روز در نقاط مختلف ممالک اسلامی شاهدیم. شکی نیست که عامل اصلی پیدایش چنین پدیده شومی، تفرقه و تشتّت بین مسلمانان و عدم قدرت تحمل آنان در برابر اندیشه یکدیگر است. تقریب بین مذاهب در صدد آن است که ظرفیت مسلمانان را در تحمل عقاید و رفتار یکدیگر بالا برده و آنان را از ستیزهای مذهبی و طائفی بازدارد. بدیهی است در پرتو چنین تفکری زمینه سلطه بیگانگان از جوامع اسلامی رخت برخواهد بست.

قلمرو گسترده تقریب مذاهب

گرچه محور اصلی تکثر مذاهب اسلامی، برپایه فقه شکل گرفته و به اختلافات بین پیروان آنان اغلب از منظر فقهی نگریسته می شود اما باید اذعان نمود که گستره اندیشه تقریب مذاهب در عرصه های حساس و اساسی حیات مسلمانان ـ اعم از شیعه و سنی ـ جریان دارد؛ بنابراین منحصر نمودن دعوت منادیان تقریب مذاهب به تقریب فقهی را باید عدول از این حرکت وحدت بخش دانست. در این بخش برخی از ابعاد و گستره تقریب مذاهب را تبیین می کنیم:

1. تقریب اعتقادی:

هرگاه به اصول اعتقادی مسلمانان که زیربنای زندگی آنان را تشکیل می دهد توجه شود به خوبی اشتراک تمامی آنان در مبانی اصلی و محوری دین روشن می گردد؛ به طور کلی مبانی اعتقادی مشترک تمامی مذاهب اسلامی را می توان در موارد ذیل مورد بررسی قرار داد:

الف) توحید و یکتایی ذات مقدس اللـه؛

ب) ایمان به نبوت پیامبران الهی و رسول مکرّم اسلام و الزام به تبعیت از آن حضرت در حیات فردی و اجتماعی؛

ج) ایمان به قرآن کریم به عنوان بزرگ ترین معجزه پیامبر (صلی ا علیه و آله) و منبع نخست شریعت؛
د) ایمان به معاد و حیات جاویدان پس از مرگ؛

هـ) ایمان به جامعیت اسلام به عنوان آخرین دین برگزیده الهی که قادر است نیازهای بشریت را در تمامی عرصه های گوناگون زندگی پاسخگو باشد. لازم به ذکر است که گرچه اختلافات فرعی و جزئی نسبت به اصول یاد شده، در مذاهب اسلامی وجود داشته که منشأ پیدایش فرق گوناگون در حوزه کلام گردیده است اما پذیرش اصول پنجگانه مذکور مورد وفاق جمیع مسلمانان ـ اعم از شیعه و سنی ـ می باشد.

2. تقریب فقهی:

شاید در بدو امر چنین تصور شود که بیشترین اختلافات مسلمانان در حوزه فقه بوده و به همین سبب تقسیم و تعدّد مذاهب هم بر محور فقه شکل گرفته است اما باید اذعان نمود که تصوّر مذکور دور از واقعیت بوده و اختلافات در این حوزه نیز همانند مبانی اعتقادی در فرعیات می باشد و این بدان جهت است که تمامی مذاهب در لزوم استناد فقه به قرآن و سنت اتفاق نظر دارند. نکته مهمی که در این راستا نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است آن است که حتی همین اختلافات فرعی نیز در حوزه فقه، مبتنی بر اصل حجیّت اجتهاد است که مورد پذیرش تمامی پیروان مذاهب اسلامی می باشد. مفهوم این اصل محوری در فقه آن است که قرآن و سنت دو منبع اصلی در استنباط احکام شریعت بوده و رأی و فتوای هر یک از مجتهدان برای خود و پیروانشان حجّت می باشد. چنانکه امام مالک بن أنس می گفت: «فإنّما أنا بشر أصيب وأخطئ فأعرضوا قولي على الكتاب والسنة»[۱۶] و امام شافعی: «إذا صحّ الحديث بخلاف قولي فأضربوا بقولي الحائط»[۱۷] وأبو حنيفه: «هذا رأيي وهذا أحسن ما رأيت فمن جاء برأي غير هذا قبلناه؛ حرام على من لم يعرف دليلي أن يفتي بكلامي»[۱۸] بنابراین با وجود منابع مشترک در استنباط شریعت، تقریب فقهی نه تنها امری ممکن بلکه قطعی خواهد بود.[۱۹]

3. تقریب اخلاقی:

باید گفت در حوزه اخلاقی ـ فردی و اجتماعی تمامی مذاهب اسلامی با یکدیگر وفاق کامل داشته و پیامبر اکرم (صلی ا علیه و آله) اسوه همگان در این مجال می باشد. چنانکه قرآن در خطاب به همه مسلمانان می فرماید: «ولكم في رسول ا أسوة حسنة»[۲۰]

4. تقریب تاریخی و تمدنی:

تمامی مسلمانان در بسیاری از حوادث تاریخی صدر اسلام به ویژه حوادث عصر رسالت و بعد از آن اتفاق نظر داشته و اختلاف در این حوزه نیز به فرعیات بر می گردد که آن هم ازطریق گفتگو های علمی و منقطی قابل تخفیف است.

5. تقریب سیاسی:

مشترکات بین مسلمانان علاوه در حوزه عقاید و اخلاق در حوزه سیاسی نیز به حدی است که امت اسلامی می توانند با اتخاذ موضع گیری مشترک، تهاجم دشمنان اسلام را از ممالک اسلامی دفع کنند چنان که جهان کفر در جهت مبارزه با اسلام و نفوذ در جوامع اسلامی، مواضع یکسانی به رغم اختلافات داخل با یکدیگر، اتخاذ نموده‌اند.

6. تقریب اقتصادی:

جهان اسلام قادر است بر اساس مبانی مشترک اقتصادی خویش اتحادیه های عظیم اقتصادی را در بین ممالک اسلامی رواج دهد. همانند اروپائیان که در بین خود جهت تسهیل در روابط اقتصادیشان دست به تأسیس اتحادیه ها و بازارهای مشترک زده اند. متأسفانه شاهدیم که جوامع اسلامی به رغم داشتن منابع عظیم مادی فاقد چنین مراکز حیاتی بوده و برخی از آنان به جای آنکه اسلام را محور در تاسیس مؤسسات و مراکز اقتصادی خویش قرار دارد عربیت را مبنا قرار داده که آن هم غالباً تحت سلطه قدرت های استکباری قرار دارند. بدیهی است چنین سیاست ها و تصمیمات تنگ نظرانه که ناشی از ناسیونالیسم

افراطی عربی است و مورد حمایت قدرت های غربی نیز قرار دارد موجب تشتت در جوامع اسلامی و تضعیف قدرت اسلام در بین مسلمانان خواهد شد. باید گفت قلمرو و گستره تقریب مذاهب بیش از مواردی است که در این مقاله ذکر شده است.

موانع و محدودیت های تقریب مذاهب اسلامی

شناخت موانع و آسیب های تقریب مذاهب اسلامی، از عناصر اصلی در عینیت بخشیدن به این حرکت الهی است. از این رو ضروری است قبل از هر گام اساسی در این مسیر، واکاوی جدی پیرامون این امر صورت گیرد. برخی از مهم ترین این موانع به شرح زیر است:

الف) سوء تفاهم پیروان مذاهب اسلامی نسبت به یکدیگر:

اصحاب تقریب بزرگ ترین آسیب و مانع در وحدت مسلمانان را که هدف نهایی تقریب می باشد در نداشتن فهم صحیح مسلمانان شیعه و سنی از یکدیگر می دانند. شهید مطهری در این زمینه می فرماید: «یکی از ابتلاءات مسلمین این است که گذشته از این که پاره ای معتقدات تفرق و تشتت پیدا کرد اند و مذهب ها و فرقه ها در میان آن ها پیدا شده است دچار سوء تفاهمات زیادی نسبت به یکدیگر می باشند. یعنی گذشته از پاره ای اختلافات عقیده ای دچار توهمات بی جای بسیاری درباره یکدیگر می باشند. در گذشته و حاضر آتش افروزانی بوده و هستند که کوشش آن ها بر این بوده و هست که بر بدبینی های مسلمین نسبت به یکدیگر بیفزایند. تهدیدی که از ناحیه سوء تفاهمات بی جا و خوب درک نکردن متوجه مسلمین است بیش از آن است که از ناحیه خود اختلافات مذهبی متوجه آن هاست» [۲۱] پیامد سوء این عدم فهم درست پیروان مذاهب اسلامی را نسبت به یکدیگر در بدبینی ها و نسبت های ناروای آنان می تواند مشاهده نمود. در این زمینه می توان به برخی از اتهامات عده ای از نویسندگان نا آگاه اهل سنت به پیروان مکتب تشیع اشاره نمود: قرآن شیعه غیر از قرآن مسلمانان است یا شیعه به جای سجده بر خدا بر تربت کربلا سجده می کنند یا شیعه معتقد است که جبرئیل مأمور بود که بر علی نازل شود ولی اشتباهاً بر پیامبر نازل شد... یا اینکه شیعیان امامان خویش را تا مرتبه خدایی می پرستند و... در مقابل این اتهامات وارد شده به مکتب تشیع، برخی از شیعیان نیز توهماتی را نسبت به پیروان مذاهب اهل سنت مطرح می کنند نظیر آن که اینان ناصبی بوده و دشمن خاندان پیامبرند در حالی که تمامی اهل سنت محبت به خاندان

پیامبر صلی ا علیه و اله را امری اساسی و لازم دانسته و تنها عده کمی از آنان با این امر مخالف هستند که اینان نیز مطرود در بین قاطبه اهل سنت می باشند. کتاب هایی که عده کثیری از پیروان اهل سنت در عظمت اهل بیت علیهم السلام نوشته اند و همین طور احادیث فراوانی که در این زمینه در منابع متقن اینان بیان شده است گواه صدق این ادعاست. بدیهی است رفع این سوء تفاهمات جز از طریق گفتگوهای عقلانی و اجتناب از رفتارهای تعصب آمیز و تحریک کننده ممکن نخواهد بود.

ب) گفتار و رفتارهای حساسیت برانگیز:

به رغم آنکه بر اساس آموزه های قرآن باید از هر نوع اهانت به مقدسات دیگران حتی کفار نیز اجتناب نمود ـ چنانکه در سوره آمده است: {ولا تسبّوا الذین یدعون من دون ا فیسبوا ا عدواً بغیر علم} [۲۲]ـ متاسفانه در اثر جهل و تعصبات و نگاه افراطی برخی از پیروان از مذاهب اسلامی، رفتارهای اهانت آمیزی نسبت به یکدیگر مشاهده می شود که موجب پیدایش منازعات فروانی تاکنون گردیده است. شاید بتوان ادعا نمود که اهل تسنن شاخص ترین این حرکات حساسیت برانگیز را سب و لعن شیعیان نسبت به برخی از صحابه پیامبر می دانند. برای اینان با هیچ منطقی معقول نیست که به مقدساتشان آن هم به صورت آشکار لعن و نفرین صورت گیرد. و نیز رفتار برخی شیعیان در مناسبت های مختلف در قمه زدن و زنجیرهای تیغ دار و خواندن اشعار غلوآمیز برای آنان قابل قبول نیست. در مقابل این حرکات افراطی برخی از شیعیان، عده ای از سران اهل سنت را هم می بینیم که حکم به تکفیر شیعیان نموده و حتی آنان را از مشرکین صدر اسلام بالاتر دانسته و قتل آنان را نیز جایز می دانند.

باید گفت اگر بخواهیم بر اساس آموزه های قرآنی رفتار نموده و سیره پیامبر صلی ا علیه و اله و اهل بیت علیهم السلام را الگوی خویش بدانیم قطعاً حکم به مذموم و منفور بودن رفتارهای مذکور فراهم نمود. در این قسمت سخن یکی از پیشگامان نهضت تقریب را در زمینه رفتار برخی از شیعیان در زمینه سبّ و لعن نسبت به برخی از صحابه پیامبر صلی ا علیه و اله بیان می کنیم تا برای برادران اهل سنت روشن گردد که چنین روشی مقبول عالمان برجسته شیعه نمی باشد. شیخ محمدحسین کاشف الغطاء در این مورد می فرماید: «با اندک تأمل می توان دریافت که این موضوع نمی تواند دلیل دشمنی باشد چون:

اولاً: این رأی و عقیده تمام شیعیان نیست و چه بسا بیشتر آنان بر این امر موافق نیستند. زیرا در اخبار پیشوایان شیعه از این کار نهی شده است.

ثانیاً: بر فرض تمام شیعیان این چنین باشند این امر موجب کفر و خروج آنها از اسلام نخواهد شد و حداکثر مرتکب معصیتی شده اند و گناهکاران هم در بین شیعیان و هم در بین اهل تسنن زیاد هستند و این موجب قطع برادری بین آنان نمی شود.

ثالثاً: چنانچه این موضع از اجتهاد و اعتقاد ناشی باشد گرچه خطاست ولی ممکن است داخل در معصیت نبوده و موجب فسق نگردد. زیرا باب اجتهاد باز است و نزد همگان مسلم است که برای خطا کننده یک پاداش و برای به واقع رسیده دو پاداش می باشد. و علمای اهل سنت جنگ هایی را که در صدر اسلام میان اصحاب روی داده است مانند جنگ جمل و صفین صحیح می دانند که زبیر، طلحه و معاویه در این موارد اجتهاد کرده گرچه در اجتهاد خود خطا کرده اند اما به عدالت آنها لطمه ای وارد نمی شود. پس بهتر است توهین برخی افراطی ها را هم نسبت به خلفا جرم ندانند»[۲۳]..

ج) تساهل اصحاب تقریب:

گرچه نهضت تقریب که بیش از (65) سال از شکل گیری جماعة التقریب بین المذاهب الإسلامیه در مصر و 20 سال از تاسیس مجمع تقریب مذاهب در ایران می گذرد این نهضت در سال 1317، به همت آیت ا بروجردی و شخصیت های برجسته الأزهر مصر نظیر شیخ محمود شلتوت صورت گرفت توانست تأثیرات مثبتی در جوامع اسلامی به ویژه بین عالمان شیعی و سنی ایجاد کند اما متاسفانه این جنبش اصلاحی آن گونه که شایسته بود تداوم نیافت و در اثر همین سهل انگاری اصحاب تقریب حرکات افراطی ضد تقریبی در جوامع اسلامی گسترش یافت که همچنان ادامه دارد. به رغم برپایی ده ها کنفرانس و همایش و انتشار صدها عنوان کتاب در زمینه تقریب که در جوامع مختلف اسلامی تاکنون صورت گرفته و می گیرد متاسفانه ثمرات ناچیزی بر آن مترتب شده است چون بیشتر این همایش ها و کنفرانس ها جنبه تشریفاتی داشته و مهمانان این جلسات نیز به حضور فیزیکیشان بسنده کرده اند.

باید گفت علاوه بر موانع یاد شده در تقریب مذاهب اسلامی، موانع خارجی را نیز نباید از نظرها دور داشت. نظیر دخالت بیگانگان در امور کشورهای اسلامی و حمایت از سران خائن آنها و نیز بزرگنمایی اختلافات مذهبی بین مسلمانان که بررسی هر یک از این ها مجال خاص خود را می طلبد.

آثار و نتایج نظری و عملی تقریب مذاهب اسلامی

اندیشه اصلاحی تقریب مذاهب اسلامی هرگاه در جوامع اسلامی به مفهوم درست خود تحقق یابد ثمرات عظیمی را در حوزه نظری و عملی به دنبال خواهد داشت. اینک برخی از این پیامدها را مرور می کنیم:

1. تعارف مسلمانان نسبت به یکدیگر:

بزرگ ترین ثمره تقریب در عرصه نظر این است که بسیاری از سوء تفاهمات بین رهبران مذاهب اسلامی و نیز بین مسلمانان برطرف خواهد شد. در پرتو گفتگوهای عقلانی و به دور از تعصبات فرقه ای و مذهبی بر همگان ثابت می گردد که بسیاری از اتهاماتی که شیعه و سنی نسبت به یکدیگر وارد می کنند توهماتی بیش نبوده و موارد اشتراک به حدی است که اختلافات نسبت به آنها بسیار ناچیز است به عبارت دیگر در پرتو تقریب بر همه مسلمانان روشن می گردد که اختلاف فکری مذاهب اسلامی در فرعیات دینی بوده و در اصول اعتقادی و کلیات دینی وحدت حاکم است.

بدیهی است ثمره عملی این پیامد نظری، خشکانیده شدن ریشه بسیاری از فتنه های مذهبی و طائفی در بین مسلمانان خواهد بود. چون منشأ اصلی این فتنه های کور و خانمان سوز، جهل و تعصبات برخی از پیروان مذاهب اسلامی است که در پرتو تقریب این نگاه های نادرست، به تدریج اصلاح و سوء تفاهم جای خود را به حسن تفاهم و کینه و نفرت ها در بین پیروان مذاهب نسبت به یکدیگر مبدل به محبت و الفت خواهد شد.

2. انسجام و وحدت اسلامی:

با عینیت یافتن شعار تقریب، به تدریج وحدت جهان اسلام شکل گرفته و زمینه عزت و اقتدار اسلامی در جهان نمایان خواهد شد؛ و چون در پرتو تقریب افکار و اندیشه های مسلمانان نسبت به یکدیگر نزدیک شده و بر همگان ثابت خواهد گشت که مکتب آنان واحد بوده و اختلافات اموری فرعی و جزئی اند؛ در نتیجه اخوّت اسلامی که روح وحدت قرآنی و اسلامی را شکل می دهد تحقق خواهد یافت. در اثر این وحدت، به تدریج جهان اسلام به عنوان یکی از قطب های حاکم بر جهان مطرح گردیده و سیمای امت واحده اسلامی

نمایان خواهد شد.

3. یأس دشمنان از نفوذ در مسلمانان:

تقریب اندیشه مسلمانان به یکدیگر و تفاهم آنان با یکدیگر، بیداری اسلامی آنان را نسبت به دشمنان حقیقی خویش بیش از پیش گسترش خواهد داد؛ چون دشمنان اسلام تنها از طریق تفرقه و ایجاد روحیه بد بینی پیروان مذاهب اسلام نسبت به یکدیگر قادرند بر آنان مسلط و بر اهداف شوم خویش در به یغما بردن سرمایه های عظیم کشورهای اسلامی فائق آیند؛ از این رو تقریب افکار مسلمانان به یکدیگر و درک صحیح آنان به مشترکات فراوان فکری و عقیدتی یکدیگر، روزنه امید دشمنان را از نفوذ در بین مسلمانان مبدل به یأس خواهد نمود.

4. تحقق گفتگوی اسلامی ـ اسلامی:

پیامد دیگر تقریب مذاهب اسلامی آن است که زمینه تداوم گفتگوهای عقلانی و منطقی بین گروه های مختلف مسلمانان در مسائل مورد اختلاف فراهم خواهد شد. در پرتو چنین گفتگوهای سازنده ای به خوبی روشن خواهد شد که بین عقایدی که ایمان به آن ها ضرورت داشته و معارف دیگری که پیرامون آن ها دیدگاه های متفاوتی وجود دارد فرق است. بدیهی است استمرار این نشست های علمی زمینه ارتقاء و رشد فکری مسلمانان را در فهم برتر اسلام فراهم خواهد نمود و به آنان نشان خواهد داد که اسلام را فقط از زاویه مذهب خویش ننگرند بلکه آن را به عنوان یک مکتب جامع و کامل که فوق مذاهب است ببینند.

5. تبدیل تعاملات مسلمانان از حالت سلبی و تکفیری بر مبنای دوستی و محبت:

متأسفانه در عصر حاضر بر اثر تبلیغات گسترده استعمارگران و عمال سرسپرده انان نظیر وهابیت، نوع تعاملات و روابطی که بین مسلمانان وجود دارد بر مبنای حس بدبینی و نگاه تکفیری است. امروزه به وضوح اعلام می گردد که اعراب مسلمان باید مراقب خویش در برابر خطر ایران باشند. اینان حتی در تعاملات بین کشورهای عربی با یکدیگر نیز اختلال ایجاد کرده و مانع روابط بر مبنای دوستی و اخوت شده اند. در صورتی که هرگاه تقریب اندیشه های مسلمانان به یکدیگر تحقق یابد این روابط سلبی و

بدبینانه جای خود را به روابط دوستانه و سازنده خواهد داد.

6. تقویت مذاهب اسلامی:

نهضت تقریب مذاهب نه تنها سبب تفاهم و همزیستی مسالمت آمیز بین مسلمانان گردیده و به محافظت از کیان جوامع اسلامی منجر خواهد شد بلکه حتی تقویت همین مذاهب را هم به دنبال خواهد داشت. چون منادیان تقریب هیچگاه به دنبال نفی مذاهب و یا ادغام آن ها در یکدیگر نبوده بلکه در صدد آنند که به رغم وجود مذاهب موجود، مشترکات فراوانی بین آن ها بوده و می توان اختلافات فرعی موجود بین آن ها را مدیریت نمود در حالی که اندیشه های ضد تقریبی مستلزم حس تفوق طلبی پیروان هر یک از مذاهب اسلامی بر دیگری گردیده و هر یک خود را حق مطلق و دیگری را باطل خواهد شمرد. بنابراین با تقریب مذاهب، اصالت هر کدام از مذاهب اسلامی نیز در جایگاه خود به رغم اختلافات موجود بین آن ها تثبیت می گردد.

پیامدهای منفی جدایی مذاهب اسلامی

بر جدایی و افتراق مذاهب اسلامی از یکدیگر پیامدهای منفی فراوانی مترتب می گردد که برخی از آن ها به شرح ذیل می باشد:

1. استمرار تفرقه مسلمانان از یکدیگر:

بزرگ ترین آفت و خطر جدایی مذاهب اسلامی، زوال وحدت اسلامی و گسترش تفرقه بین مسلمانان خواهد بود. در قرآن کریم به این نکته بس مهم تصریح شده است که: «ولا تکونوا من المشرکین من الذین فرّقوا دینهم وکانوا شیعاً» و در جای دیگر از تفرقه و تشتت به عنوان یکی از عذاب های دردناک الهی یاد شده است: «قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذاباً من فوقکم أو من تحت أرجلکم أو یلبسکم شیعاً ویذیق بعضکم بأس بعض» [۲۴] و در آخرت نیز به عاملان تفرقه وعده عذاب عظیم داده شده است: «ولا تکونوا کالذین تفرّقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البیّنات واولئک لهم عذاب عظیم» [۲۵]

2. پیدایش فتنه ها و جنگ های مذهبی:

شکی نیست که تفرقه بین پیروان مذاهب اسلامی که نتیجه قهری جدایی مذاهب است، زمینه را برای پیدایش فتنه ها و منازعات دینی فراهم خواهد کرد چنانکه علی علیه السلام فرمود: «... یعطیکم (الشیطان) بالجماعة الفرقة والفرقة الفتنة»[۲۶] در تاریخ اسلام و حتی در تاریخ معاصر جوامع اسلامی فتنه های مذهبی فراوانی را می بینیم که اثار زیانباری را در پی داشته است. حوادث تلخ ریختن خون مسلمانان در سوریه و عراق و... توسط افراطیون مسلمان که خود را پیرو اسلاف صدر اسلام می دانند ـ سلفیون ـ از جمله فتنه هایی است که با مدیریت و تدبیر شیاطین غربی و آمریکا توسط مزدورانشان در کشورهای عربی پیاده شده و هر روز گسترش می یابد. آیا این پیامدها همان فساد کبیر و فتنه ای نیست که قرآن کریم مسلمانان را نسبت به آن بر حذر می دارد. «والذین کفروا بعضهم أولیاء بعض ألاّ تفعلوه تکن فتنة في الأرض وفساد کبیر»[26].

3. حس خود برتر بینی در سران و پیروان مذاهب اسلامی:

ثمره تلخ دیگر جدایی مذاهب از یکدیگر آن است که پیروان هر مذهبی گمان می کنند که تمام حقیقت دین در آنان جمع شده و مذاهب دیگر باطلند و این بر خلاف اندیشه تقریب است که پیشفرض خود را بر این بنا نهاده است که تمامی مذاهب معتبر اسلامی، شاخه های درخت تنومند اسلام بوده که همه آن ها برای محافظت از این شجره طیبه به وجود آمده اند، بدیهی است این حس ناصواب ـ خود برتر بینی و مذهب خویش را تمام و کامل دانستن ـ مانع به وجود آمدن فضاهای سالم گفتگو گردیده و سبب فاصله های بیشتر بین پیروان مذاهب خواهد شد چون این امر به تدریج اختلافات فرعی بین مذاهب را بزرگ و موارد فراوان مشترکات دینی در اصول و فروع را کوچک جلوه خواهد داد.

4. احساس حقارت در برابر بیگانگان:

نگاهی هر چند کوتاه به سیاست های نظام سلطه نشان می دهد که دشمنان اسلام به رغم گرایش های مختلف فکری و انشعابات مذهبی که در بین آنان رواج دارد ـ که به مراتب بیشتر از انشعابات مذهبی در بین مسلمانان است ـ از وحدت رویه در مبارزه با مسلمانان برخوردارند. «الکفر ملة واحدة» ولی اسلام با همه جامعیتش به دلیل تجزیه به مذاهب گوناگون و جدایی آنان از یکدیگر و بدبینی و سوء ظن پیروانشان

نسبت به هم، نتوانسته است برتری خود را به جهان نشان دهد؛ به همین سبب مسلمانان در برابر رشد فزاینده تکنولوژی غرب و رواج فراورده های فرهنگی آنان به جوامع اسلامی، حس حقارت و خود باختگی داشته و این امر مانع هر نوع تلاش و فعالیت های زیر بنایی گردیده است حتی بسیاری از اندیشمندان مسلمان آن چنان مقهور تمدن و تکنولوژی غرب شده اند که هر نو مقاومت در برابر آن را بی فایده می دانند.

در حالی که هر گاه فکر و اندیشه تقریب مذاهب عینیت می یافت مسلمانان با تقریب فکری و انسجام بین خود، از این روحیه انفعالی خارج شده و از ظرفیت ها و توانایی عظیم خود در برابر تمدن غرب بهره می جستند. در عصر حاضر به خوبی شاهدیم که چگونه جهان اسلام به رغم برخورداری از سرمایه های فراوان مادی و معنوی در سیطره غرب قرار گرفته و اغلب کشورهای اسلامی مجری سیاست های استعماری آنان در عرصه های مختلف می باشند و این همان تحقق سخن الهی در قرآن کریم است که فرمود در اثر تفرقه و تشتت سیطره و قدرت شما زائل خواهد شد. «ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ریحکم»[۲۷]

5. جهل و ناآگاهی مسلمانان از یکدیگر:

دعوت به تقریب در صورت عملی شدن شناخت مسلمانان را در زمینه های مختلف فکری، عقیدتی، سیاسی، اقتصادی از یکدیگر به دنبال خواهد داشت. در حالی که جدایی مذاهب از یکدیگر زمینه هر نوع گفتگوی علمی و سازنده را از پیروانشان زائل نموده و در نتیجه مسلمانان در بی خبری از عقاید و افکار یکدیگر به سر خواهند برد.

بدیهی است این امر زمینه پیدایش تصورات ناصواب را فراهم خواهد نمود. نگاهی کوتاه به کتاب های پیروان این مذاهب نشان می دهد که تا چه حد اینان از عقاید یکدیگر بی خبرند به گونه ای که در برخی از کنفرانس ها وقتی زمینه ملاقات با یکدیگر بین اینان فراهم می گردد با شگفتی از عقاید و سیاست های یکدیگر متوجه می گردند که در بسیاری از مسائل همانند یکدیگر می اندیشند و نیز برایشان اثبات می گردد که اتهامات گسترده ای که به یکدیگر وارد می کردند چه قدر بی اساس بوده است. اتهام کفر و شرک به شیعیان، مترادف دانستن آنان با غلات یا کیسانیه و ناووسیه و فرقه های دیگر، که شیعه را به عنوان یک مذهب ضد عقل و احساسات معرفی می کند امروزه به شکل های مختلف در رسانه های جهانی وهابی تبلیغ می گردد در حالی که اگر مکتب تشیع آن گونه که از طریق عالمان و منابع اصلیش معرفی شده است

به جهان اسلام ارائه گردد معلوم می گردد که تمامی این نسبت های ناروا بی اساس بوده و بین مذهب تشیع و سائر مذاهب اسلامی معتبر در بیش از 90 درصد اشتراک وجود دارد چنانکه اولین مؤسس دارالتقریب در مصر شیخ الأزهر محمود شلتوت در رسمیت داشتن مذهب شیعه اعلام نمود: «مذهب جعفری معروف به شیعه امامیه اثنا عشریه مذهبی است که شرعاً تعبد به آن همچون سایر مذاهب اهل سنت جایز می باشد بنابراین شایسته است که مسلمانان این حقیقت را بشناسند و از تعصب ناروا نسبت به مذاهب معین دوری کنند زیرا خداوند و شریعت او منحصر به مذهب معینی نیست بلکه همه امامان مجتهدانی بوده اند که اجتهادشان نزد خداوند متعال پذیرته شده و کسانی که اهل نظر و اجتهاد نیستند می توانند از آن ها تقلید کنند و در این باره بین عبادات و معلومات فرقی نیست». آری جهل و ناآگاهی مسلمانان از یکدیگر که از پیامدهای شوم جدایی مذاهب اسلامی است زمینه کینه و عداوت را بین آنان گسترش خواهد داد چنانکه علی علیه السلام فرمود: «الناس أعداء ما جهلوا...» [۲۸].چنانکه در عصر کنونی آثار آن را در جوامع مختلف اسلامی شاهد هستیم در حالی که تقریب مذاهب در صورت عملی شدن قادر است به این جهل و کینه ها پایان داده و آن را به معرفت، الفت و محبت تبدیل کند.

راهبردها و شیوه های عملیاتی تقریب مذاهب

بر اساس مباحثی که در باب تقریب بیان گردیده اینک مهم ترین مسأله تبیین راهبرد تقریب و شیوه های نیل به آن می باشد. در این رابطه باید گفت: از آنجا که رهبر معظم انقلاب، راهبرد اصلی مجمع جهانی تقریب را دیپلماسی وحدت[۲۹] قرار داده و از این نهاد مهم و بین المللی خواسته اند که با محور قرار دادن آن، پایه گذار تاسیس امت واحده اسلامی گردند. برخی از شیوه های عملیاتی آن را بیان می کنیم:

1. تاسیس دانشگاه بزرگ اسلامی و دعوت از متفکران و اندیشمندان جهان اسلام با قطع نظر از گرایش های مذهبی و فرقه ای جهت شناخت عمیق اسلام و مذاهب اسلامی.

2. ترویج و گسترش گفتگوهای عقلانی و مسالمت آمیز آمیخته با اخلاق و احترام، بین اندیشمندان مذاهب اسلامی.

3. آموزش فقه وحدت اسلامی، آداب و شیوه تعامل در اختلاف، گفتگو و مناظره و اجتناب از تکفیر و تفسیق و خرده گیری نسبت به آرای یکدیگر در مراکز علمی (دانشگاهی و حوزه های علمیه).

4. اهتمام علمای مذاهب به ترویج شیوه اعتدال با به کارگیری همه ابزارهای علمی، ملاقات ها، سمینارهای علمی ـ تخصصی و کنفرانس های عمومی با هدف تصحیح نگاه به مذاهب اعتقادی و فقهی.

5. مقابله جدی رهبران و علمای مذاهب با گرایش های افراطی که معارض کتاب و سنت و سیره امامان مذاهب در گذشته می باشد.

6. عدم تحمیل پیروی از مذهبی خاص بر مردم توسط حکومت ها و تشکل های دینی.

7. تدوین و نشر آثار مشترک مذاهب اسلامی در عرصه های گوناگون تفسیری، حدیثی، کلامی، فقهی و...

8. تدوین و نشر آثار مقارن مذاهب اسلامی در عرصه های گوناگون تفسیری، حدیثی، کلامی، فقهی و...

والسلام

پانویس

آل عمران: 103.حجرات: 10.أنبياء: 92.آل عمران: 113.بقرة: 143.حجرات: 10.آل عمران: 200.مائدة: 2.مجادلة: 22.آل عمران: 103امام خمینی (رحمة ا علیه): ما مفتخریم... که پیرو مذهبی هستیم که می خواهد حقایق قرآنی که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می زند از مقبره ها و گورستان ها نجات دادهـ...؛ وصیت نامه ـ می باشد از ضروریات اسلام خواهد بود.عراف: 138نهج البلاغة، ج 4، ص 75.الموسوعة الفقهية الميسره، الشيخ محمد على الأنصاري، ج 1، ص 34.مناظرات في العقايد والأحكام، الشيخ عبدا الحسن، ج 2، ص 302.الإجتهاد والتقليد عند السنة، مركز المصطفي.مناظرات في العقايد والأحكام، ج 2، ص 302.لازم به ذکر است که در پژوهشگاه مطالعات تقریبی، توسط گروه قرآن و حدیث مجموعه ای گسترده (چندین جلدی) در جمع آوری احادیث مشترکات فقهی ـ از ابتدای کتاب طهارت تا دیات و حدود ـ تدوین شده که در شرف چاپ می باشد.احزاب: 21.یادداشت های استاد مطهری، ج 2، ص 203، انتشارات صدرا.انعام: 108.همبستگی مذاهب اسلامی، ص 94 ـ 95؛ اسلام آیین همبستگی، بی آزار شیرازیانعام، آیه 65.سوره آل عمران، آیه 105 ـ 106.موسوعة أحاديث أهل البيت عليهم السلام، الشيخ هادى النجفي، ج 8.انفال: 73.انفال: 46.نهج البلاغة، ج 4، ص 42حکم رهبر معظم انقلاب ایه ا خامنه اي به دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، 20/04/1391.